

# بررسی کیفی تجربه زیسته والدین با آموزش الکترونیکی فرزندان در طول دوره پاندمی Covid-19

دکتر علی قره داغی<sup>۱</sup>، ندا عزیزی<sup>۲</sup>، دکتر رحیم بدری<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳. استادیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱۶۴-۱۷۷

## چکیده

هدف اصلی در این تحقیق، بررسی کیفی تجربه والدین با آموزش الکترونیکی فرزندان در طول دوره پاندمی Covid-19 بود که با استفاده از روش پدیدارشناسی صورت گرفت. جامعه آماری شامل کلیه والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه (۷) شهر تهران است که در پایه اول تا پنجم که در نیم سال دوم سال ۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند، می‌شود که به‌منظور نمونه‌گیری بر پایه اصل اشباع در پژوهش‌های کیفی و با تکراری شدن پاسخ‌ها و با روش هدفمند، تعداد ۲۵ نفر از والدین دانش‌آموزان به‌عنوان نمونه آماری موردبررسی و مصاحبه به‌عنوان نمونه آماری قرار گرفتند. تحلیل مصاحبه‌ها، با استفاده از الگوی کلاسی و روش تحلیل مضمون انجام شد. بعد از کدگذاری و طبقه‌بندی براین اساس به تعداد ۲۱ مورد، مضامین اصلی استخراج شدند که در قالب (آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، فنی، روان‌شناختی و اقتصادی) تقسیم‌بندی شدند و سپس بر اساس مضامین به‌دست‌آمده از جنبه معایب و مزایا مورد شناسایی قرار گرفتند. نهایتاً با توجه به نتیجه به‌دست‌آمده پیشنهادهایی مبنی بر کاهش معایب آموزش از طریق فضای الکترونیکی و افزایش مزایای آن‌که از تجربه زیسته والدین به‌دست‌آمده بود، ارائه گردید.

**واژه‌های کلیدی:** ویروس کرونا، آموزش الکترونیکی، والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، تجارب زیسته.

## مقدمه

بیماری همه‌گیر کرونا ویروس جدید (COVID-19) که تاکنون تقریباً پانصد و پنج میلیون نفر را در ۲۰۰ کشور مبتلا کرده است، منجر به مرگ بیش از شش میلیون نفر در سراسر جهان شده است و باعث به وجود آمدن هرج و مرج جهانی در همه زمینه‌ها شده است. این بحران قبلاً به یک شوک اقتصادی و بازار کار نگریسته می‌شد ولی با گذشته زمان تأثیرات منفی ویروس COVID-19 بیش‌ازپیش در بسیاری از موارد دیگر حس می‌شود که در این میان می‌توان در امر آموزش به تعطیلی مدارس و تأثیر آن بر آموزش و یادگیری و بار آموزش در دانش‌آموزان و درگیری والدین و معلمان را اشاره کرد که نیاز اساسی به توجه و مدیریت دارد (بامانی؛ ماخدوم؛ آرب زایناب، بروچی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰).

بسیاری از دولت‌ها در سراسر جهان به‌منظور جلوگیری از شیوع همه‌گیری کووید-۱۹، مؤسسات آموزشی را به‌طور موقت تعطیل کردند. مدارس، مرکز فعالیت‌های اجتماعی و تعامل انسانی هستند. هنگامی که مدارس تعطیل می‌شوند، بسیاری از کودکان و جوانان تعاملات اجتماعی که برای یادگیری و توسعه ضروری را از دست دادند (یونسکو<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). از این رو، اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان در جهان، تعطیلی موقت مدارس را در طول همه‌گیری COVID-19 در تلاش برای فاصله‌گذاری اجتماعی و در نتیجه کاهش سرعت انتقال ویروس تجربه کرده‌اند (واینر، راسل، کروکر، پاکر، وارد، استانفیلد<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). بسته شدن مدارس در کاهش انتقال در طول شیوع قبلی آنفلوآنزا، از جمله آنفلوآنزای خوک و MRSA مؤثر بوده است (کولینگ، سانگ، فونگ، لیو و وان<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰).

تعطیلی مدارس به‌طور بی‌سابقه‌ای زندگی روزمره دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مربیان آنها را تغییر داد. به‌طور باورنکردنی، بیش از نیم میلیارد دانش‌آموز که خانه‌ها قرنطینه شدند و به دانش‌آموزان مجازی تبدیل شدند و این در حالی است که والدین و سایر اعضای خانواده، نقش شبه معلم را به عهده گرفتند (کوهن و کافرشمیدس<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰).

بسیاری از معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان برای این تغییر ناگهانی آمادگی لازم را نداشتند و برخی از سختی‌ها و مسائل مربوط به افزایش مشارکت والدین در امر یادگیری و تلاش برای کمک به فرزندان خود در سطوح مختلف آموزشی و در روش‌های مختلف آموزش از راه دور به‌وضوح در این دوره آشکار شد. همچنین در این راستا، اصطلاحات مختلفی در این زمینه به وجود آمدند و مورد استفاده قرار گرفتند که عبارت‌اند از: آموزش از راه دور و یادگیری از راه دور، آموزش آنلاین، مجازی و آموزش و یادگیری الکترونیکی (گارب، اوگورلو، لوگان و کوک<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰). مشارکت والدین یک عامل مهم برای پیشرفت دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی مانند مدرسه که به روش سنتی است، می‌باشد و همچنین، مشارکت والدین نقش مهمی در موفقیت دانش‌آموزان در آموزش

<sup>1</sup> - Bhamani,; Makhdoom, Areeba Zainab; Bharuchi

<sup>2</sup> - UNESCO

<sup>3</sup> - United nation

<sup>4</sup> - Viner, Russell,., Croker, Packer., Ward, Stansfield

<sup>5</sup> - Cowling, Tsang, Fong, Liao, Kwan

<sup>6</sup> - Cohen & Kupferschmidt

<sup>7</sup> - Garbe, Ogurlu, Logan, & Cook

مجازی نشان داده است (بوراپ<sup>۱</sup>، ویست، گراهام، وپدیویس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). باین وجود، والدین مجبور به پذیرش یک نقش جدید و ناآشنا زمانی که فرزندان آنها در رده‌های الکترونیکی حضور دارند، می‌باشند و این امر مسئولیت فزاینده‌ای بر دوش والدین می‌گذارد و در نتیجه، والدین اغلب با درک نقشی که باید در یادگیری الکترونیکی یا بر خط فرزندانشان ایفا کنند، مشکل دارند (بولتون، ۲۰۰۸ و مورفی، رادریگز و مانزانارس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

احساسات والدین نسبت به یادگیری از طریق فضای مجازی متفاوت است. برخی از والدین احساس می‌کنند که در این صورت بیشتر با تکالیف مدرسه فرزندشان درگیر می‌شوند و مشارکت پیدا می‌کنند، در حالی که برخی دیگر این را بار اضافی می‌دانند (سیلین، باناجی، حجیتوما، کلارک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). مطالعات صورت گرفته در این زمینه، از جمله محمدیاری و شهیدی (۱۳۹۹) در مورد شکاف آموزشی در دوران کرونا، نشان‌دهنده مؤثر بودن آموزش به روش الکترونیکی در یادگیری افراد با تعطیل شدن مدارس در پی شیوع ویروس کرونا بود، آنها به مزیت‌های این روش اشاره کردند که عبارت‌اند از: معلمان با کمک گرفتن از آموزش مجازی، می‌توانند به دولت کمک کنند تا گسترش ویروس کرونا را در جامعه به حداقل برسانند. ویروس کرونا می‌تواند به مربیان فرصت تفکر مجدد در ارتباط با افزایش دانش رسانه‌ای خود را بدهد. در این میان مهارت‌های مهمی برای معلمان در آموزش‌های آنلاین وجود دارد از جمله؛ پرورش خلاقیت معلمان و استفاده از ایده‌های نو در جهت کیفیت‌بخشی به امر آموزش، توسعه ارتباط و همکاری، ایجاد حس همدلی، توانایی کارکردن معلم و دانش‌آموزان در برنامه ارتباطی، افزایش شکیبایی معلم و درک شرایط دانش‌آموزان، به اشتراک گذاشتن تجارب موفق خود با همکاران و... همچنین معلمان می‌توانند با به‌کارگیری استراتژی‌هایی مثل تقویت ارتباط معلمان و دانش‌آموزان جهت مشاوره آموزشی و خانواده کیفیت آموزش‌های آنلاین خود را بهبود بخشند. همچنین در تحقیق سلیمی و فردین (۱۳۹۹) که باهدف بررسی نقش ویروس کرونا در آموزش الکترونیکی، با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌ها انجام داد که طبق نتایج، مشاهده شد، چالش‌ها و فرصت‌ها در سه سطح کلان، میانی و خرد مطرح و طبقه‌بندی شد. در سطح کلان چالش‌های، نداشتن تفکر راهبردی مدیران و برنامه‌ریزان؛ سیاست‌گذاری نامطلوب، ضعف فناوری آموزشی و مدیریت ناکارآمد؛ در سطح میانی چالش ضعف فناوری‌های معرفی‌شده، نداشتن استقلال و آزادی عمل و برهم خوردن بودجه‌بندی مطرح‌شده و در سطح خرد حاصل گردید. همچنین در تحقیق، فونتانسی، لیلی بت<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی تأثیر کرونا بر سلامت روانی جامعه ایتالیا را مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش آن‌ها نشان داد همه‌گیری ممکن است به دلیل شرایط ناپایدار مالی، تعطیلی مدارس و به تعلیق درآمدن خدمات آموزشی برای کودکان باعث ایجاد پریشانی روان‌شناختی و نگرانی‌های جانبی برای والدین می‌شود. با توجه به ضرورت «اولویت‌بخشی به آموزش ابتدایی» مندرج در سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش کشور و با توجه به محدودیت‌های ایجادشده ناشی از شیوع ویروس کرونا و عدم برگزاری رده‌های سنتی، این پژوهش باهدف واکاوی تجارب والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از چالش‌های آموزش الکترونیکی به دلیل شیوع ویروس کرونا تعریف شده است. براین اساس پژوهش حاضر باهدف بررسی تجربه والدین با

<sup>1</sup> - Borup, West, Graham, & Davies

<sup>2</sup> - Boulton, Murphy & Rodriguez-Manzanares

<sup>3</sup> - Selwyn, Banaji, Hadjithoma, & Clark

<sup>4</sup> - lilibet

آموزش الکترونیکی فرزندان در طول دوره پاندمی Covid-19 بر پایه رویکرد کیفی پاسخگویی به پرسش‌های زیر را دنبال نموده است: نقش متداخل والدین در آموزش الکترونیکی فرزندان چگونه است؟ چالش‌های فرایند آموزش الکترونیکی در تجربه زیسته والدین دانش‌آموزان چیست؟ تجربه شخصی والدین دانش‌آموزان از آموزش‌های ارائه‌شده توسط معلمان در شبکه‌های الکترونیکی به‌عنوان جایگزین کلاس چهره به چهره چیست؟

### روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های کیفی و پدیدارشناسی می‌باشد. پدیدارشناسی ریشه در نهضت فلسفی ادموند هوسرل دارد. به نظر هوسرل، کار پدیدارشناسی مطالعه ذهن و آگاهی آدمی در ارتباط آن با جهان است. پدیدارشناسی در پی ایجاد مناسبت بین انسان و جهان است (نقیب زاده و فاضلی، ۱۳۸۵). کلیه مراحل این پژوهش با روش پدیدارشناسی و بر اساس روش کلایزی انجام پذیرفته و هفت گام برای رسیدن به هدف طی شده است که هرکدام از آنها راهنمای بخشی از فعالیت‌های فرایند پژوهش از جمله تحلیل داده‌ها هستند. در مرحله اول کلایزی، در پایان هر مصاحبه و ثبت یادداشت برداری‌های میدانی، یادداشت‌های نوشته‌شده جهت درک احساس و تجارب شرکت‌کنندگان چندبار مطالعه می‌شود. در مرحله دوم، پس از مطالعه همه توصیف‌های شرکت‌کنندگان، زیر اطلاعات بامعنی، بیانات مرتبط با پدیده مورد بحث، خط کشیده می‌شود و به این طریق جملات مهم مشخص می‌شوند. مرحله سوم که استخراج مفاهیم فرموله‌شده است، عبارات مهم بعد از مشخص کردن هر مصاحبه، سعی می‌شود تا از هر عبارت یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد بود استخراج شود. بعد از استخراج کدها، مطابق مرحله چهارم کلایزی، پژوهشگر مفاهیم تدوین شده را به دقت مطالعه می‌کند و بر اساس تشابه و مفاهیم آنها را دسته‌بندی می‌نماید. بدین روش، دسته‌های موضوعی از مفاهیم تدوین شده تشکیل می‌شود. در مرحله پنجم، نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند می‌یابد و دسته‌های کلی‌تری را به وجود می‌آورند. در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه (تاحد امکان با بیانی واضح و بدون ابهام) ارائه می‌شود. مرحله پایانی (اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها) اعتبار بخشی با ارجاع به هر نمونه و پرسیدن درباره یافته‌ها انجام می‌شود. به علاوه، جهت استحکام تحقیق از سه معیار (قابل قبول بودن، قابلیت اطمینان و تایید پذیری) استفاده می‌شود. البته کلایزی متعقد است محققان باید نسبت به این مراحل انعطاف پذیر باشند (عابدی، ۱۳۸۹). لذا در استفاده از این روش برای مطالعه تجربه زیسته والدین با آموزش الکترونیکی فرزندان جهت روشن‌سازی و توصیف عمیق‌تر پدیده موردنظر، مناسب می‌باشد.

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه (۷) شهر تهران در پایه اول تا پنجم که در نیم سال دوم سال ۱۴۰۰ مشغول به تحصیل هستند، شامل می‌شوند. همچنین، برای انتخاب نمونه آماری از رویکرد هدفمند که ملاک و معیار اشباع نظری می‌باشد، استفاده شد. شرط انتخاب نمونه، تمایل به شرکت در پژوهش و استفاده از آموزش‌های ارائه‌شده در شبکه‌های اجتماعی الکترونیکی حداقل به مدت یک ماه بود. براین اساس دسترسی پژوهشگر به تعداد زیادی از والدین دانش‌آموزان مهیا بود؛ اما بر پایه اصل اشباع در پژوهش‌های کیفی و با تکراری شدن پاسخ‌ها، تعداد والدین دانش‌آموزان قابل تقلیل به تعداد کمتری است که از این‌رو، در تحقیق حاضر با مصاحبه با ۲۵ نفر از والدین اشباع نظری حاصل شد و مطالب و داده‌های آنها جهت تحلیل

مورد استفاده قرار گرفت. قابل ذکر است که جهت اینکه کلیه والدین دانش آموزان شانس مصاحبه را داشته باشند، ابتدا مدارس از مقطع اول و پنجم طبقه بندی شدند و والدین دانش آموزان در هر مقطع به صورت تصادفی ساده لیست شدند و سپس با رویکرد هدفمند و معیار اشباع نظری از این والدین مصاحبه صورت گرفت. همچنین، به منظور استخراج و شناسایی تجربه زیسته والدین با آموزش الکترونیکی به صورت کیفی از طریق ابزار مصاحبه با استفاده از سؤالات نیمه ساختاریافته استفاده شد و در نهایت به منظور تحلیل داده از روش هفت مرحله ای کلایزی (۱۹۷۸) استفاده شد.

#### یافته ها

با توجه به ساختار پرسشنامه سؤال باز که (میزان و چگونگی مشارکتی والدین و تأثیر آن در یادگیری فرزندان در فضای مجازی، چالش های فضای الکترونیکی در تجربه زیسته والدین، تجربه شخصی والدین به عنوان جایگزین کلاس چهره به چهره چگونه و نقش عوامل آموزشی، اقتصادی، فرهنگی در کیفیت آموزش مجازی دانش آموزان در دوره پاندمی کوید-۱۹) که هدف اصلی در این سؤالات می باشد، به صورت مصاحبه به صورت سؤال کلی و اختصاصی در مورد موارد فوق صورت گرفت که طی این مصاحبه عواملی به عنوان مضامین اصلی توسط محقق شناسایی و به عنوان مضامین در این خصوص، به صورت (مضمون پایه و شواهد حاصل از مصاحبه) به شکل زیر طبقه بندی شدند.

در یافته های توصیفی مربوط به جمعیت شناسی پژوهش مشاهده شد که بیشترین دامنه سنی بین ۳۱ تا ۳۵ سال به تعداد پنج نفر و از نظر تحصیلات بیشترین مقطع مربوط افراد دارای مقطع تحصیلی فوق لیسانس با تعداد ۶ نفر بودند.

#### یافته های کیفی حاصل از مصاحبه

##### جدول ۱. مضامین اصلی و شواهد

مضامین پایه	شواهد
مشارکت بیشتر والدین در آموزش به صورت مجازی نسبت به آموزش به روش حضوری و وابستگی دانش آموزان به والدین در این روش	چون آموزش الآن الکترونیکی شده، در بیشتر موارد توسط من انجام میشه ارسال و دریافت های تکالیف و فقط در اواخر که فرزندم خودش با کارسنج آشنا شده بود و نحوه ارسال و دریافت از طریق این نرم افزار رو یاد گرفته بود، بعضی وقتا خودش هم انجام می داد ولی من خودم چک می کنم.
	من فکر می کنم که میزان مشارکت من در امر آموزش فرزندم خیلی زیاده بوده، قبلاً تو حالت نرمالی که بچه ها به مدرسه می رفتن، من تو این یک سال مشارکت من نسبت به قبل خیلی زیاده بوده و من خودمو خیلی بیشتر تو این زمینه فعالتر می بینم.
	شاید بهتر و ایده آل تر این باشه که، مشارکت والدین در آموزش به صورت فضای الکترونیکی این قدر زیاد نباشه، یعنی یک جورایی دانش آموز مستقل تر عمل کنه و من احساس می کنم با توجه به شرایطی که پیش اومده درسته که دانش آموزان در یک سری از مسائل به نسبت مدرسه مستقل شدند، ولی از طرفی حضور والدین خیلی در بحث تدریس و آموزش زیاده، یعنی شرایط الکترونیکی و سطح و پایه تحصیلی دانش آموزان باعث شده که ما حتما مشارکت داشته باشیم و دانش آموز نتونه مستقلتر نسبت به درس و تکالیف خودش عمل کنه.
	من را نسبت به فعالیت های ارسال و دریافت فایل درگیر می کرد و این کار کاملاً توسط دانش آموز صورت نمی گرفت. تمام تلاشم براین بود که تنها نباشه، اگر هم خودم نبودم با پدرش هماهنگ می کردم که یکی مون باشیم کنارش، یک یا دو بار پیش اومد که من نتونسم کنار فرزندم باشم و اون بار هم به معلمش گفتم که معلم بدونه که اگر فرزندم در ارسال یا دریافت مطالب کوتاهی کرده باشه، کسی کنارش نیست. در کل به نظر خودم مشارکت من در امر یادگیری و آموزش فرزندم به علت الکترونیکی بودن امر آموزش زیاد بود؛ و من خودم که با اکثر مادران صحبت می کردم، بیشترشون همین مشغله رو داشتند و ناچاراً کنار فرزند خودشون می نشستند و مشارکت

<p>داشتند و اگر هم کم خودشان رو دیرگیر می کردند، دانش آموز استرس می گرفت و سریعاً درخواست می کرد که مادرش هم کنارش باشه و بهش کمک کنه.</p> <p>از صبح که رده های الکترونیکی شروع میشد، من مجبور بودم که فرزندم رو بیدار کنم و کامپیوتر رو روشن کنم و وارد وبسایت بشم، چون تا اون بلند بشه، یک چیزی بخوره و چشاش باز بشه، کاملاً از اول تا انتها لاجرم مجبور بودم پیش فرزندم باشم و امور رو در دستم بگیرم؛ و تقریباً ۸۰ الی ۸۵ درصد ارسال و دریافت فایلها توسط خود من انجام می شد. اولش فکر کردم که فقط من این مشکل رو دارم ولی بعش که با چندتا از اولیا صحبت کردم، متوجه میشدم که آنها هم درگیر این کار هستند؛ و حتی برخی از والدین که کارمند بودن تکالیف یعنی ارسال تکالیف می موند. به نظر من کاملاً یعنی ۱۰۰ درصد درگیر آموزش الکترونیکی فرزندم بودم؛ و وقتی هم کلاس تمام می شد می گفتم چه تکالیفی رو گذاشتن. برو اونا رو انجام بده و اونهایی که یاد نگرفته بود دوباره بازپخش فیلم می کردم بعد از تمام شدن بیا اینا رو ایلود بکن.</p>	
<p>چون من خودم در دوران دبستان همیشه شاگرد اول مدرسمون بودم، گاهی حتی خیلی از مطالب درسی پسرم که الان باهاشون مواجه میشم، کاملاً مثل روز اول یادم میاد و می تونم بگم درصد زیادیش رو فراموش نکردم، خارج از اون به غیر از تحصیلات بنده که در امر یادگیری فرزندم تأثیر داره، به سری تجربیات کاربردی هستند (مثلاً تو بخش نرم افزاری و کامپیوتر که من سالهاست دارم کار می کنم) خوب فضای الکترونیکی به سری درسهای خاص خودش داره از نصب و به روزی رسانی برنامه ها گرفته تا ارسال و دریافت فایل، محدودیتهای حجم که بواسطه تخصصم خیلی از این مسائل رو به راحتی حل می کردم و فرزندم بواسطه این تخصص من همه چی برای یادگیریش محیا بود.</p> <p>مثلاً، باباش مهندس عمران هست و می دونست که در یک تکلیف آزمایشی، باباش رفته بود خاک رو براش تهیه کرده بود ولی برخی از والدین تو گروه می گفتن که من از کجا بدونم که خاک نفوذ پذیرش خوبه، یا خاک را نباید از کجا گیر بیارم و به خاک مهر و آرد و اینا تو خونه قناعت کرده بود و این آزمایش رو انجام داده بود.</p> <p>من فکر می کنم، بسته به درس بله تأثیر داشت؛ مثلاً تو درس ریاضی چون من و پدرش ریاضی بود رشته تحصیلی مون، خیلی راحت تر می تونستیم کمکش کنیم؛ مثلاً یک خانومی بود رشته تحصیلیش وکیل بود و من چون احساس می کنم اونا رشتشون فرق می کنه، تو آموزش برخی از دروس ممکنه به مشکل بخورن؛ مثلاً آزمایشی تو درس علوم داشتن درباره خاک رس و ماسه و اینا بود.</p> <p>با توجه به تحصیلات آکادمیک که من و شوهرم هر دو داریم تا حالا نشده موردی توی موارد درسی فرزندم باشه که با مشکل مواجه بشیم؛ و حتی بعضی وقتا می شد که یک درس جلوتر از معلم من به فرزندم درباره درسی که هنوز معلمش تدریس نکرده اطلاعاتی بهش می دادم.</p>	<p>تحصیلات و تخصص والدین در درک مطالب و بازآموزی تکالیف</p>
<p>بعضی وقتا می شد که معلم تدریسی داشت و خودش سوالی را داشت حل می کرد و بیهو متوجه می شدم که پاسخ معلم اشتباهه و جوابش غلطه که جوری که بهش برنخورده و ناراحت نشه تو گروه یا اون زمان اطلاع می دادم یا بعد اتمام کلاس پاسخ صحیح رو می فرستادم و توضیح می دادم.</p> <p>اتفاق می افتاد که معلم امتحان می گرفت و نمره ای که میداد می دیدم کلیه پاسخ ما به سؤالات درست بوده و معلم اونو اشتباهی تصحیح کرده که باهاش تماس می گرفتم و می گفتم که جواب ما درست بوده و شما اونو غلط تصحیح کردین یا پاسخ شما اشتباه بوده که این نه حتی واسه من می دیدیم که بعضی مواقع دیگر والدین هم با این مشکل مواجه بودند که توجه والدین یا حتی خود دانش آموزا این مشکل رو حل می کرد.</p>	<p>به چالش کشیدن معلم توسط والدین</p>
<p>معلم واقعا کشتش این رو نداره که بخواد تا ساعت ۲ ظهر درگیره تدریس آنلاین باشه و بعد منتظر باشه بچه ها تکالیفشون رو ایلود بکنن و بعد اون بنده خدا معلم بعد از ظهر هم باید زندیگیشو رو در اختیار رسیدگی به تکالیف بچه ها تخصیص بده اونم از طریق چی یا از طریق گوشی یا لپ تابش و خوب این باعث میشد اون نکشه و روز به روز فرسوده تر بشه.</p> <p>بعضی وقتا می دیدم که تکالیف بارگذاری شده و معلم حتی فرصت نکرده که اونا رو بررسی کنه، یعنی معلم نمی تونست. بحث ایمنه که معلم چند ساعت باید طول روز کار کنه، یعنی ۱۲ ساعات. چقدر باید وقت بزاره. چون برای درس جدید فردا هم که قراره تدریس کنه به صورت الکترونیکی باید مطالب رو آماده کنه.</p>	<p>فرسودگی شغلی معلم</p>
<p>تو این فضای الکترونیکی هیچ ارتباط بین همکلاسیها با همدیگر و بین معلم و دانش آموز وجود نداره، اون شور و شوق حضوری بودن و بدو بدوی دانش آموزان ابتدایی وجود نداره، تقریباً با یک سیستم بی جان مواجه بودیم؛ اما بعضی وقتا می شد که تماس تصویری بین معلم و دانش آموز برای پرسیدن درس اتفاق می افتاد که اون موقع هم دانش آموز استرس می گرفت و اون انگیزه کافی برای درس خوندن به علت فشار توی این فضا برای دانش آموزان محیا نبود و این ناخودآگاه تو روان بچه ها هم تأثیر داشت.</p>	<p>فرسودگی تحصیلی دانش آموزان</p>

عدم تخصص کافی معلم در هنگام بروز مشکل در سیستم، نرم افزار و اینترنت	معلم و دانش آموزان تا یک حدی آشنایی با زیرساخت‌های اینترنت، نرم افزار و کامپیوتر، لپ تاب و گوشی دارند؛ و اگر به مشکلی این وسط پیش بیاد نمی تونستن حل بکنن. حالا اگر تو مدرسه باشه فردی بود که این کار رو بر عهده می گرفت و تو این زمینه تخصص داشت (چون مدرسه غیر انتفاعی بود و کسی رو برای اینکار گذاشته بودن) ولی داخله خونه اگر این مشکل پیش بیاد نه معلم توانایی راهنمایی داره یا اینکه والدین توانایی حل این مثل رو داشتن.
پیگیری فعالیت‌های آموزشی و درسی دانش آموزان توسط والدین	۱۰۰ درصد من همیشه پیگیر هستم که مساله حل بشه، حتی شده مواردی که روشی رو بلد نبوده. حتی شده موردی تو درس ریاضی که دانش آموز و من بلد نبودیم، من رفتم خودم سرچ کردم و یاد گرفتم روشش رو و دوباره به فرزندم آموزش دادم تا مساله جا بیافته.
حذف ارتباطات و تعامل چهره به چهره	من خودم از وقتی که صبح پا می شدم کنار فرزندم می نشستم و دقیق به حرفهای معلم گوش می دادم و یادداشت برداری می کردم و حتی با معلم بعد از اتمام ساعت کلاس درس درباره درسهای که سخت بود مثلا درس ریاضی، ارتباط تلفنی داشتم تا اول برای خودم هم زمانی که مطلب روشن نبود تا یاد بگیرم و به فرزندم توضیح بدم. یه جورایی خودم هم دانش آموز شده بودم و همراه فرزندم با هم درس رو می خونیدیم و با هم جلو می رفتیم و فرزندم هم سطح یادگیریش بالا می رفت اینجوری.
عدم جذابیت فضای الکترونیکی برای دانش آموزان	فرزند من میگه که، من فقط صدای معلم رو شنیدیم، اصلا معلم رو از نزدیک ندیده، میگه، من دوستانم رو نمی شناسم و حتی اسم اونها رو بیبینم نمی دونم چیه؛ و خاطره ای که به ما درباره مدرسه گفتین و شنیدین ما از مدرسه در فضای الکترونیکی درک نکردیم. بعضی وقتا می شد که اون دانش آموزایی که من می شناختم تو محله ما بودند یا تو همسایگی بودند با هماهنگی والدین دعوت می کردم توی پارک تو اینا همدیگر رو ببینند تا درباره معلمشون با درس بتونن با هم حرف بزنند.
تقلب آسان	چون واقعا درک مدرسه و آموزش برای دانش آموزان دوره ابتدایی رو نمیشه با فضای الکترونیکی پر کرد؛ یعنی چی یک دانش آموز که مدرسه رو از دهن من مادر یا پدرش شنیده یا توی تلویزیون دیده و اون ذهنیت رو با گوشی و با یک فایل صوتی بخوابینم پر کنیم. دور بودن از فضای آموزشی که معلم سکان دار آن هست، وقتی فرزند من معلمش رو بیشتر فقط صداسش رو داره و خیلی کم تصویری معلمش رو دیده و خیلی کم با هم تصویری ارتباط داشتن به غیر از اونجوری که یادم میاد تنها دو مورد خیلی کوتاه بود که سؤال تصویری ازش پرسیده تا مطمئن بشه که تقلب نمی کنده، به غیر از اون، احساس خاصی به معلمش نداره و نصبت به معلمش پرشور نیست، چون اون مقام علم هنوز براشون جا نیافته.
مسائل روانی ناشی از قطعی برق یا اینترنت در زمان استفاده از اینترنت و خرابی سیستم	حتی زمانی که مدرسه حضوری بود نمیشه به دانش آموزها اعتماد کرد و مراقب می زاشتن براشون تا تقلب نکنن ولی باز تقلب به صورت کم انجام میشد؛ اما حالا که ارزیابی ها و امتحانات به صورت الکترونیکی شده، خوب یا والدین کمک می کنند یا دانش آموز کتاب در دسترسش هست به سادگی می تونه تقلب کنه بدون اینکه کسی متوجه بشه. شده که معلم گفته بود ۵ نفری حضوری بیاید توی کلاس تا درس ازتون بپرسم. بعدا معلم توی گروه گذاشته بود که وقتی آنلاین می پرسم همتون ماشالله مثل بلبل جواب می دین اما حضوری که میشه بیشترون می مونین و نمی تونین جواب بدین. پس معلومه که شماها دارین تقلب می کنین.
بی حوصلگی و خستگی والدین	خیلی وقتا توی فصل تابستون، یهویی می دیدین برق قطع میشد و نرم افزار شاد هم قابلیت ذخیره فیلمهای آموزشی کلاس رو نداشت تا بعدا بشینی و تدریس رو نگاه کنی و از دست می رفت و بیشتر وقتا هم قطعی ها وقته صبح بود که کلاسها شروع میشد و حتی عصرها یا شب هم اتفاق می افتاد که معلم هم گفته بود مثلا تا ساعت ۱۱ شب ارسال بشه تکالیف اما می دیدی از ساعت ۷ یا ۸ برقها قطع میشد تا ۱۱ الی ۱۲ شب که کار با اینترنت که بیشتر با مودم بود یا تبلا امکان پذیر نبود.
افزایش سواد رسانهای دانش آموزان	چون من شاغل هستم مجبور بودم بعد از ظهرها که از سر کار بر می گردم بشینم و تکالیف و درسی که گفته رو باهاش مرور کنم بعضی وقتا میشد که اصلا نه فرصتش رو داشتم تا حوصلشو و زمانی هم که این کار رو نمی کردم و کمکش نمی کردم اون درس رو ناقص ازش رد میشدیم و بعد ها با مشکل مواجه می شدیم و پدرش هم که اصلا به خاطر خستگی از صبح می رفت تا شب که دیر وقت می اومد اصلا نمی تونست براش وقت بزاره.
	اوایل آماده کردن سیستم و وارد شدن به فضای کلاس و مدیریت آن توسط خود من صورت می گرفت ولی به مرور زمان خودش تمام کارها رو انجام می داد و می دید که حتی کلمات جدیدی مانند آپلود، دانلود، دیسک تاپ، ی دی اف و ... رو حتی استفاده می کنه و اونها رو حتی تشخیص میده.



درگیری بیشتر دانش آموزان با فضای الکترونیکی	به خاطر اینکه شرایط سنی بچه ی من تو اون حد نیست که فضای الکترونیکی رو بتونه درک کنه و لاجرم وارد این فضا شده بود و علاوه بر برنامه شد وارد برنامه های مثل واتس آپ و اینستاگرام میشد بدون اینکه منو در جریان بزاره و حتی پیامهایی که دوستان و آشنایان و اقوام برام می فرستادم رو می دیدم زودتر از من خونده اونا رو.
نحوه ارزشیابی	با توجه به اینکه، ارزشیابی ها برای هر درس متفاوت هستش مثلاً برای درسی ریاضی، اجتماعی و علوم نمیشه که یک روش به کار ببریم. برای ریاضی حلیات، برای درس اجتماعی با امتحان کتبی یا شفاهی و برای درس علوم علاوه بر کتبی یا شفاهی موارد آزمایشگاهی و علمی وجود داره که معلم تو این فضای الکترونیکی نه می تونست به انها کامل پردازه یا اینکه ارزشیابی که ببینه که دانش آموزان درک کافی از مبحث داشته اند یا نه.
بازگویی و عدم جدیت دانش آموزان هنگام تدریس معلم	چون آموزش تو این فضا بیشتر به صورت صوتی هستش و معلم دانش آموزان رو چهره به چهره نمی بینه، اون نظم و نظام کلاس اینجا دیده نمیشه و معلم درکی از وجود معلم نداره؛ مثلاً، من مدام بهش گوشزد می کردم که حواست به درست باشه، اونم تا من می گفتم می نشست پای درس ولی باز دنبال یه بهونه ای بود پاشه و بازی گوش می کنه.
دور بودن از جنبه های تربیتی	من خودم شاهد این بودم که پسر پشت میز نشسته یا داره با وسیله دیگه ای بازی میکنه یا داره نقاشی میکنه یا حتی شروع میکنه تا کردن یا پاره کردن یا نخ نخ کردن شلوارش؛ یعنی یه چیزی رو پیدا می کردند که فرار بکنند از درس تو این فضای الکترونیکی
کاهش هزینه های	چون تو فضای الکترونیکی که صرفاً برای آموزش تدارک دیده شده، وقت و زمانی برای تربیت وجود نداره و چون معلم و دانش آموزان با هم تعامل و گفتگو ندارن و شناختی از روحیات هم ندارن معلم نمی تونه از او تجربیاتش برای تربیت دانش آموز استفاده کنه و بیشتر این فضا جنبه آموزشی داره تا تربیت و پرورشی
کاهش هزینه های	قبلاً چون مدرسه از خونه ما دور بود ما مجبور بودیم تا سرویس بگیریم برارش و الان دو سال هستش که هزینه سرویس نمی دیم و از این لحاظ شاید بگم که نوعی صرفه جویی داشتیم.
کاهش هزینه های متنفره	چون مدرسه ما غیر انتفاعی بود، از ما هزینه تغذیه (میان وعده و صبحانه)؛ و اردو از ما می گرفتن که الان این هزینه ها کاهش پیدا کرده و مبلغی بابت آن نمی پردازیم.
افزایش هزینه های خرید گوشی، تبلت، مودم ADSL	هزینه های مثل خوراکی، صبحانه، لباس فرم، کیف و کفش نمونه جیب مون و این هزینه ها کاهش پیدا کرده.
ایجاد یک تجربه جدید برای سیستم آموزشی	قبلاً که گوشی مشکل داشت و نرم افزارهاش کار نمی کرد برامون مشکلی نداشت چون قادر به استفاده بود ولی الان که مجبوریم استفاده تو امر آموزش الکترونیکی داشته باشیم. مجبور شدم که یک گوشی تازه بخرم.
	چون هزینه بسته های اینترنت زیاد میشد و استفاده از اینترنت شده بود یک کار روزمرگی تو این دوران، مجبور شدیم که مودم ADSL برای خونه تهیه کنیم.
	چون گوشی من استفاده شخصی ازش داشتم و اقوام و دوستان و آشنایان باهاشون تماس می گرفتند یا اونا تماس می گرفتن و وسط درس هم نمی شد مثلاً بشینم آموزش معلم و قطع کنم و با گوشی حرف بزنم، مجبور شدیم که یک لپ تاب بخریم.
	با اینکه فضای الکترونیکی در همه مقاطع و همه زمان برای امر تدریس، آموزش و یادگیری جوابگو نیست ولی نمیشه اصلاً منافعی که این سیستم و راهبرد آموزشی داره رو بی اعتبار کرد. چون این تو سطح دنیا برای همه سطوح تحصیلی یک تجربه نوین بود شاید زیر ساختها و برنامه ریزی مناسب برارش وجود نداشت ولی رفته رفته ما حتی تو داخل کشورمون شاهد بودیم که نرم افزار شاد که اوایل با مشکلاتی مواجه بود ولی رفته رفته تکمیل و مناسب برای این شرایط بود و نمی گم که همیشه ولی حتی میشه زمانی که مثلاً پرف زیاد میبازه یا شرایط جوی مناسب نیست و مدارس چند روزی تعطیل میشه اونوقت میشه از این سیستم و تجربه استفاده کرد تا آموزش وقفه ای و اشش به وجود نیاد.

با توجه به شواهد و مضامینی که توسط مصاحبه فردی نیمه ساختاریافته در جدول (۱) به دست آمد، این عوامل با مجموعه های (آموزشی، اجتماعی، فنی، روان شناختی، اقتصادی و فرهنگی) طبقه بندی شدند و همچنین از نظر معایب/مزایای مضامین اصلی در جدول (۲) زیر اشاره می گردد.



طبقه بندی	مضامین اصلی	معايب/مزایا
آموزشی	مشارکت و نظارت بیشتر والدین در عملکرد تحصیلی دانش آموزان	مزایا
	وابستگی به والدین و تغییر مسئولیت در امر یادگیری	معايب
	تحصیلات و تخصص والدین در درک مطالب و بازآموزی تکالیف	مزایا
	پیگیری فعالیت های آموزشی توسط والدین	مزایا
	به چالش کشیدن معلم توسط والدین	مزایا
	فرسودگی شغلی معلم	معايب
	فرسودگی تحصیلی دانش آموزان	معايب
	پیگیری انجام تکالیف توسط والدین	مزایا
	ایجاد تجربه جدید برای سیستم آموزشی	مزایا
فنی	عدم تجربه و آمادگی تخصص معلمان در آموزش به صورت الکترونیک	معايب
	عدم تخصص کافی معلم در هنگام بروز مشکل در سیستم، نرم افزار و اینترنت	معايب
	افزایش سواد رسانه ای دانش آموزان	مزایا
اجتماعی	درگیری بیشتر دانش آموزان با فضای الکترونیکی	معايب
	حذف ارتباطات و تعامل چهره به چهره	معايب
	عدم جذابیت فضای الکترونیکی برای دانش آموزان	معايب
فرهنگی	بازیگوشی دانش آموزان و عدم جدیت دانش آموزان هنگام تدریس	
	تقلب آسان	معايب
روان شناختی	دور بودن از جنبه های تربیتی	معايب
	مسائل روانی ناشی از قطعی برق یا اینترنت در زمان استفاده از اینترنت و خرابی سیستم	معايب
اقتصادی	بی حوصلگی یا خستگی والدین	معايب
	کاهش هزینه های ایاب وذهاب	مزایا
	کاهش هزینه های متفرقه	مزایا
	افزایش هزینه جهت خرید تبلت، گوشی و مودم و ...	معايب

### بحث و نتیجه گیری

در مضمون اصلی که "مشارکت و درگیری بیشتر والدین در آموزش به صورت الکترونیکی نسبت به آموزش به روش حضوری و سنتی و وابستگی دانش آموزان به والدین در این روش" نتیجه به دست آمده با نتیجه تحقیق، محمدی، کشاورزی، ناصری جهرمی و همکاران (۱۳۹۹)، حبیبی و سروانی (۱۳۹۰) و آبرامز گیبس<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، ژائو جان<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) همسویی دارد. آنها در تحقیق خود مشارکت، نظارت و درگیری والدین با امورات درسی را در عملکرد تحصیلی بهتر فرزندان مؤثر دانستند که این تحقیقات هم به صورت کیفی و کمی بود که از نظر مشارکت و درگیری والدین با نتیجه تحقیق حاضر همسویی دارند ولی در مورد وابستگی به والدین تا کنون بررسی

<sup>۱</sup> - Abramz Gibbs

<sup>۲</sup> - Zhaojan

صورت نگرفته که این امر حاکی از نوآوری در یافته این تحقیق می باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده بیان می گردد که آموزش به صورت الکترونیکی، فرصت مناسبی برای دانش آموزان فعال، خود کنترل و خود خوان می باشد که از تمامی ظرفیت ها و امکانات برای یادگیری بهتر بهره ببرند درحالی که اکثر دانش آموزان احتیاج به راهنمایی، نظارت، کنترل و تشویق بیشتری برای یادگیری در آموزش های الکترونیکی دارند. بی شک نقش نظارتی والدین در آموزش به صورت الکترونیکی و برخط مخصوصاً در مقطع ابتدایی نقش برجسته ای دارد که بدون نظارت، کنترل و حمایت والدین یادگیری معنی دار محقق نمی شود. این نظارت و کنترل باید هم در یادگیری ها و آموزش ها و هم در آزمون های الکترونیکی و برخط صورت پذیرد. اگرچه خود والدین نیز باید آموزش های لازم را در مباحث علمی و رسانه ای برای یادگیری بهتر فرزندان فراگیرند؛ اما در این بین ناخودآگاه تغییر مسئولیت در امر یادگیری و مدیریت ابزار الکترونیکی و نهایتاً وابستگی دانش آموز به والدین در این زمینه صورت می گیرد که این امر بیشتر ناشی از عدم تسلط دانش آموزان مقطع ابتدایی به ابزار الکترونیکی و همچنین، بی تجربگی، پایین بودن سواد فضای الکترونیکی و رسانه الکترونیکی آنها در این زمینه می باشد. همچنین چون معلم صرفاً در این فضای آموزش به صورت غیرزنده و صوتی یا بسیار کم تصویری حضور دارد، والدین برای تکمیل این نقیصه مجبور به حضور و مشارکت می باشند تا دانش آموزانی که علی الخصوص در پایه اول و دوم ابتدایی بودند، انگیزه داشته باشند و مدیریت دانش آموز نیز در این سطح بیشتر متکی بر حضور والدین بود. در کل، مشارکت والدین به فعالیت هایی اطلاق می شود که والدین در مدرسه انجام می دهند که این فعالیت ها به صورت مشارکت رسمی و مشارکت غیررسمی صورت می گیرد؛ اما مشارکت غیررسمی والدین، فعالیت هایی است که در خانه توسط آنها انجام داده می شود و مشارکت رسمی در مدرسه و در ارتباط با معلمین و اعضای مدرسه دانش آموزان صورت می گیرد که این مشارکت در زمان کرونا از سوی والدین (بیشتر مادران) بیش از حد استاندارد و مستلزم این شرایط بود. هرچند این امر، از نظر روان شناختی حضور والدین در کنار آنها نوعی اعتماد به نفس، احساس امنیت و نگرش بهتر نسبت به تعلیم درسی و آموزشی پیدا می کرد و باعث به وجود آمدن انگیزه در دانش آموز و عملکرد بهتر تحصیلی و پیشرفت تحصیلی را در پی داشت که از جنبه مثبت می توان به نظارت بیشتر والدین به تکالیف در این زمینه و عملکرد تحصیلی بهتر ولی از دیدی منفی می توان به وابستگی دانش آموزان به والدین و تغییر مسئولیت در امر یادگیری اشاره نمود.

در مضمون های، به چالش کشیدن معلم توسط والدین، پیگیری فعالیت های آموزشی و درسی دانش آموز و تحصیلات و تخصص والدین در درک مطالب و بازآموزی تکالیف نتیجه به دست آمده با نتیجه تحقیق محمدی، کشاورزی، ناصری جهرمی و همکاران (۱۳۹۹) که آنها در تحقیق خود نظارت بیشتر والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان را در دوره کرونا دریافتند. شیخی (۱۳۸۳)، سلجوقی (۱۳۸۷)، طلوعی (۱۳۹۲)، لیتل<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) که سطح تحصیلات والدین را در پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر مشاهده کردند و به سبب تحصیلات بالاتر، درک بهتری از مسائل آموزشی و تربیتی می توانند داشته باشند؛ اما در مورد به چالش کشیدن معلم توسط والدین تا کنون مطالعه ای نسبت به این یافته وجود نداشت که این امر حاکی از نوآوری تحقیق حاضر می باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده بیان می شود که دانش آموزان در شیوه آموزش و یادگیری از طریق فضای الکترونیکی نسبت به مقطع تحصیلی و تجربه و مهارتی که داشتند بی شک

<sup>1</sup> - Litel

به والدین خود در امر مدیریت این ابزار و ارسال و دریافت و در این تعامل بین دانش آموز با معلم، متکی بودند که در این میان سطح تحصیلات والدین و تخصص آنها کیفیت این تعامل را که به عنوان واسطه بین دانش آموز معلم در این فضا بودند تحت تأثیر خود قرار می دهد. آن دسته از والدینی که دارای تحصیلات عالی و دانشگاهی می باشند می توانند بهتر در این زمینه عمل کنند. البته تحصیلات والدین به تنهایی نمی توانند عامل پیشرفت در فرزندان شوند؛ اما از آنجاکه تحصیلات می تواند موجب آگاهی بیشتر فرزندان نسبت به مسائل آموزشی گردد. در تحقیقات پیشین نیز ثابت شده که شغل و سطح اجتماعی و سطح تحصیلات والدین رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارند. بنابراین ملاک انتخاب تحصیلات والدین و تأثیری که بر روی پیشرفت تحصیلی فرزندان آن ها می گذارد به این دلیل منظور شده است که خانواده های با تحصیلات بالاتر دارای توانایی و مهارت بیشتر در حل مسئله می باشند و همچنین در این تعامل والدین بیشتر با تکالیف فرزندانشان آشنا می شوند و همواره در انجام دادن آن ها و کیفیت آن نیز بیشتر پیگیر می شوند. شاید این امر در زمان حضوری دانش آموزان در این سطح اتفاق نمی افتاد چراکه آن زمان والدین بیشتر به گزارش فرزندان گوش می کردند ولی حال در این شیوه آموزش و یادگیری در زمان کرونا والدین با فعالیت های آموزشی فرزندان خود درگیر هستند و حتی در این بین اتفاق می افتد که در صورتی که والدین دارای تخصص و سطح تحصیلات بالاتر باشند، روش های غلط تدریس معلم را شناسایی و در صورت لزوم آن را با معلم در میان می گذارند که این تعامل سه نفره معلم، دانش آموز و والدین می تواند یکی از جنبه های مثبت در امر یادگیری و آموزش از طریق فضای الکترونیکی در مقطع ابتدایی باشد.

در مضمون های (فرسودگی شغلی معلم، فرسودگی تحصیلی دانش آموزان، عدم تخصص کافی معلم در هنگام بروز مشکل در سیستم، نرم افزار و اینترنت، حذف ارتباطات و تعامل چهره به چهره، عدم جذابیت فضای الکترونیکی برای دانش آموزان، تقلب آسان، مسائل روانی ناشی از اضطراب های فناوری مثل، قطعی برق یا اینترنت، بی حوصلگی و خستگی والدین، افزایش سواد رسانه ای دانش آموزان، درگیری بیشتر دانش آموزان با فضای الکترونیکی) به عنوان چالش در این زمینه وجود دارند. نتیجه به دست آمده با نتایج تحقیق محمدی، کشاورزی، ناصری جهرمی و همکاران (۱۳۹۹)، سلیمی و فردین (۱۳۹۹)، کلاته ساداتی، جیریایی و زنگنه (۱۳۹۹)، رنجبر، اناری، خلیلی و حرمتی (۱۳۹۹)، کریمی (۱۳۹۹)، البرزی، امیری نژاد و پیرمردیان نجف آبادی (۱۳۹۹)، حمزه لو و رحیمی (۱۳۹۹)، زارع و خلیل پور (۱۳۹۹)، روی (۲۰۱۵)، آل حجران، آلودات، آلهناوی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، مرسر و گرجرسن<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) همسو می باشد. در بیشتر این تحقیقات چالش هایی مطرح شدند که بیشتر در بستر فنی زیرساخت های اینترنت و فناوری، عدم تخصص کافی، بی حوصلگی والدین، اضطراب در مورد مشکلات ناشی از خرابی سیستم و قطعی اینترنت مطرح شده بود که از این رو همسویی گزارش می گردد. همچنین در تحقیقات همسویی قید شده، مقاطع مختلف تحصیلی با روش تحقیق متفاوت استفاده شده که از این نظر نیز تفاوت وجود دارد. بعلاوه، مضامینی در تحقیق حاضر به دست آمد که در این تحقیقات و دیگر تحقیقات پیشین مشاهده نشد که این امر حاکی از نوآوری تحقیق حاضر می باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده بیان می گردد که، چالش های فضای الکترونیکی در آموزش به صورت الکترونیک یک بحث بسیار گسترده می باشد که شاید نتوان تنها با انجام چند تحقیق میدانی با آن آشنا شد چراکه باگذشت زمان،

<sup>۱</sup> -Al-Hujran,., Aloudat, Al-Hennawi

<sup>۲</sup> - Mercer& Gregensen

تفاوت در مقاطع تحصیلی و بستگی به سن و جنس و فرهنگ‌های مختلف این چالش‌ها می‌توانند گسترده‌تر شوند؛ اما در کلیت امر می‌توان بیان نمود که، دانش‌آموزان به دلیل عدم حضور در محیط آموزشی از برخی آموزش‌ها بازمی‌مانند؛ زیرا سابق براین، یکسری آموزش‌ها از طریق حضور در مدرسه، ارتباط و تعامل دوسویه با معلم یا اولیای مدرسه و یا دوستان شکل می‌گرفت. برای مثال دانش‌آموزی ممکن است به هم‌کلاسی خود کمک کند و مدادی بدهد و این کنش، خود بیانگر نوعی همدلی و کمک به هم‌نوع است که با بسته شدن مدارس، اصلاً چنین کنش‌هایی رخ نمی‌دهد و این مسئله در پایه اول ابتدایی خودش را بیشتر نشان می‌دهد؛ زیرا دانش‌آموز از محیط خانواده جدا و به واسطه حضور معلم و هم‌کلاسی‌ها وارد دنیای دیگر می‌شد. از طرفی سنجش یادگیری هم از طرف معلم دشوار است. آن چیزی که در قالب آزمون‌های کلاسی در قالب ارزشیابی به صورت مستمر یا تکوینی صورت می‌گیرد، سنجش از مطالب تدریس شده است. در صورتی که این نوع یادگیری صرفاً یک نوع یادگیری در حوزه دانشی محسوب می‌شود. همچنین، یکسری یادگیری‌هایی در سطح مهارت، دانشی و نگرشی دانش‌آموز وجود دارد که مهم تلقی می‌شوند و سنجششان با آزمون امکان‌پذیر نیست، بلکه با مشاهده امکان‌پذیر است و وقتی مدارس باز نباشند، این امکان فراهم نمی‌شود. هرچند باید این را اشاره کرد که ممکن است یادگیری در طی سال‌های تدریس طولانی صورت بگیرد؛ یعنی اگرچه ممکن است دانش‌آموزان نمره خوبی در آن درس بگیرند، اما یادگیری حاصل شده است. همچنین، به واسطه الکترونیکی بودن آموزش‌ها، می‌توان به جرأت گفت که سطح سواد دانش‌آموزان بسیار متفاوت از زمانی شده است که آموزش‌ها حضوری بودند؛ زیرا بسیاری از والدین و دوستان به جای یادگیرنده در آزمون و کلاس شرکت می‌کردند و دانش‌آموز در زمان کلاس یا خواب بود و یا در حال استراحت بودند. از طرفی پل‌های ارتباطی بسیاری توسط دانش‌آموز برای شرکت در آزمون زده می‌شد که باز این امر امکان سنجش دقیق را از معلم می‌گرفت؛ بنابراین، بعد از باز شدن مدرسه گویی الفبای هر درسی به یادگیرنده باید مجدداً آموزش داده شود و این مسئله بفرنج در دوره ابتدایی به خصوص آنها که پایه اول را الکترونیکی و قاعدتاً اکنون به پایه سوم رسیده‌اند، بسیار خودش را نشان می‌دهد. معنا و مفهوم نظم عملاً در سیستم آموزشی از بین رفته و رسمیت و اهمیتی که کلاس و درس در آموزش حضوری داشته در آموزش الکترونیکی رعایت نشده است. در این بین شاید با توجه به مشاهدات و مضامین به دست آمده، بتوان چالش‌ها را در چهار سطح (دانش‌آموزان، معلمان، والدین و ابزار الکترونیکی) تقسیم‌بندی کرد که هر کدام در این امر با توجه به نقش و سهمی که در آموزش و یادگیری داشته‌اند. چالش‌هایی را داشته یا تجربه کرده‌اند. به عنوان مثال در مورد دانش‌آموزان می‌توان به فرسودگی تحصیلی آنها، حذف ارتباط بین فردی و چهره به چهره با هم‌کلاسی و معلم، درگیری بیشتر دانش‌آموز با فضای الکترونیکی و ... در معلمان می‌توان به فرسودگی شغلی آنها، عدم تخصص کافی در مدیریت و کار با ابزار الکترونیکی و اطلاعات کافی درباره اپلیکیشن‌ها، در مورد والدین به بی‌حوصلگی آنها اشاره نمود.

در مضمون‌های (عدم تجربه و آمادگی معلمان در آموزش به صورت الکترونیکی، دور بودن از جنبه‌های تربیتی، ایجاد فرضت خلاقیت به معلمان، بازیگوشی و عدم جدیت دانش‌آموزان هنگام تدریس معلم) به عنوان چالش در این زمینه وجود دارند. نتیجه به دست آمده با نتایج تحقیق محمدی، کشاورزی (۱۳۹۹)، ید الهی، تولکی، پور صالحی و آذرتاش، (۱۴۰۰) همسو می‌باشند که دور بودن از جنبه‌های تربیتی یکی از جنبه‌های نوع اوری در این سؤال می‌باشد که قبلاً بررسی و مشاهده نشده است. در تبیین نتیجه به دست آمده بیان می‌شود که آموزش چهره به چهره و حضوری بودن را باید در اولویت آموزش قرارداد و آموزش به صورت

الکترونیکی تکمیل‌کننده این امر می‌باشد و زمانی که این امر صدر در صد در فضای الکترونیکی و به‌صورت غیرحضوری انجام می‌گیرد که هم معلمان و هم یادگیرندگان با مشکل مواجه می‌شوند. علی‌الخصوص در مقطع ابتدایی که والدین هم وارد این مقوله می‌شوند و تعامل سه‌ضلعی در این میان شکل می‌گیرد که سکان‌دار آن والدین می‌باشند. چراکه مدیریت دانش‌آموز و تکالیف بر عهده والدین قرار می‌گیرد و برنامه‌ریزی برای انجام آن و نظارت بر کیفیت تکالیف و انجام آنها و همچنین مدیریت دانش‌آموز و عملکرد آن در هنگام مواجه با فضای آموزش الکترونیک و القای جدیت دانش‌آموز در هنگام کار با این شرایط و ایجاد نظم و انضباط، بیشتر بر عهده والدین می‌باشد که در زمان آموزش حضوری و چهره به چهره این موارد بر دوش معلم بود که معایب این امر از نظر والدین بیشتر از شرایط حضوری می‌باشد چراکه کلیه موارد تربیتی و آموزشی نمی‌تواند از طریق فضای آموزش به‌صورت الکترونیکی صورت پذیرد.

همچنین در مضمون‌های (کاهش هزینه‌های ایاب‌وذهاب، کاهش هزینه‌های متفرقه، افزایش هزینه‌های خرید گوشی، تبلت، مودم ADSL، ایجاد یک تجربه جدید برای سیستم آموزشی) به‌عنوان دیگر چالش‌های در این زمینه وجود دارند؛ که نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج تحقیق محمدی، کشاورزی (۱۳۹۹)، بدالهی، توکلی، پور صالحی و آذرتاش، (۱۴۰۰)، روی (۲۰۱۵) و مارچتی و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به‌دست‌آمده بیان می‌گردد که در این دیدگاه بیشتر بر جنبه هزینه‌های تحمیلی بر والدین تمرکز اشاره شد که خرید لوازم موردنیاز از جمله گوشی، تبلت، مودم اینترنت و ... از جمله این موارد بودند و همچنین، صرفه‌جویی‌های اقتصادی از جمله کاهش هزینه‌های ایاب‌وذهاب و هزینه‌های متفرقه بود، ولی بار هزینه خرید لوازم مربوطه برای آموزش از طریق فضای الکترونیکی بیشترین دغدغه را برای والدین داشت. در کل با توجه به یافته‌ها مشخص می‌شود که نارضایتی‌ها و رضایت‌های نسبی نسبت به این شرایط وجود دارد ولی تمرکز اصلی والدین و برنامه ریزان و معلمین بیشتر بر کیفیت آموزش می‌باشد تا همراه حفظ سلامتی دانش‌آموزان، امر آموزش نیز صدمه نبیند.

#### منابع

- محمدیاری، قاسم و شهیدی، سید محمد (۱۳۹۹). کرونا و شکاف آموزشی، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۵۲(۶)، ۱۶۰-۱۲۵
- سلیمی، سمانه؛ محمد علی فردین (۱۳۹۹). نقش کرونا ویروس در آموزش الکترونیکی، با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه علمی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و الکترونیکی، ۸(۲)، ۵۱-۶۴.
- Bhamani, S., Makhdoom, A.Z., Bharuchi, V., Ali, N., Kaleem, S., Ahmed, D. (2020), Journal of Education and Educational Development, 7(1), 9-26.
- Borup, J., West, R. E., Graham, C. R., & Davies, R. S. (2014). The adolescent community of Engagement framework: A lens for research on K-12 online learning. Journal of Technology and Teacher Education, 22(1), 107-129.
- Boulton, H. (2008). Managing e-learning: What are the real implications for schools? The Electronic Journal of e-Learning, 6(1), 11-18.
- Cohen, J., & Kupferschmidt, K. (2020). Countries test tactics in 'war' against COVID-19. Science, 367(6484), 1287-1288. <https://doi.org/10.1126/science.367.6484.1287>
- Cowling, B. J., Ali, S. T., Ng, T. W., Tsang, T. K., Li, J. C., Fong, M. W., Liao, Q., Kwan, (2020). Impact assessment of non-pharmaceutical interventions against COVID-19 and influenza in Hong

- Kong: An observational study. MedRxiv. Advance online publication. <https://doi.org/10.1101/2020.03.12.20034660>
- Garbe, A., Ogurlu, U., Logan, N., & Cook, P. (2020). COVID-19 and Remote Learning: Experiences of Parents with Children during the Pandemic. *American Journal of Qualitative Research*, 4(3), 45-65. <https://doi.org/10.29333/ajqr/8471>
  - Murphy, E., & Rodriguez-Manzanares, M. A. (2009). Teachers' perspectives on motivation in high school distance education. *Journal of Distance Education*, 23(3), 1-24.
  - UNESCO. (2020). COVID-19 Educational disruption and response. Retrieved from <https://en.unesco.org/themes/education-emergencies/coronavirus-school-closures>
  - Selwyn, N., Banaji, S., Hadjithoma-Garstka, C., & Clark, W. (2011). Providing a platform for parents? Exploring the nature of parental engagement with school learning platforms. *Journal of Computer Assisted Learning*, 27(4), 314-323. <https://doi.org/10.1111/j.13652729.2011.00428.x>
  - Viner, R. M., Russell, S. J., Croker, H., Packer, J., Ward, J., Stansfield, C. (2020). School closure and management practices during Coronavirus outbreaks including COVID-19: A rapid systematic review. *The Lancet Child & Adolescent Health*, 4(3), 397-404. [https://doi.org/10.1016/S2352-4642\(20\)30095-X](https://doi.org/10.1016/S2352-4642(20)30095-X)